



تومان از نقاط عطف فیلم سینمایی «تومان» فیلمبر داری ویژه آن است، به طوری که هم کارگردان کار و هم یکی از اعضای هیات انتخاب جشنواره فجر، در گفت‌وگو با «صدا» به این موضوع اشاره کردند و نوید دادند که سبک فیلمبر داری این اثر، در جشنواره امسال به چشم می‌آید.



دایر سعید نجاتی مدرس سینماست، او پس از ساخت ۴۱ فیلم کوتاه به دایر با موضوع باوغ یک دختر می‌رسد، فیلمی که تصور پرداختن و تصویر موضوع سالهاست یک تابو است. نجاتی ریسک رامی پذیرد و در جشنواره سی و ششم فیلم کوتاه تهران جایزه ویژه هیات داوران را از آن خود می‌کند.

گفت‌وگو با بهرنگ دزفولی‌زاده؛ کارگردان فیلم سینمایی «بیداد حلزون»:

همه فیلم اولی‌ها را به یک چشم ببینید

محمدرضا گلزاری

نام بهرنگ دزفولی‌زاده، برای اهالی سینما و رسانه، نام شناخته شده‌ای است. او کسی است که سال‌ها به عنوان عکاس در پشت صحنه آثار شاخص سینمای ایران حضور داشت و در چندین نام و سر بال تلویزیونی هم به عنوان عکاس فعالیت کرد و به همین ترتیب به نامی شناخته شده در این عرصه بدل شد. حالا این عکاس سابق، با اولین فیلمش در قامت کارگردان به جشنواره فیلم فجر آمده است؛ فیلمی پر بازیگر با یک ویژگی خاص، برای دیدن این فیلم به گوش‌های تیزی احتیاج دارید.

قصه فیلم «بیداد حلزون» چیست؟

قصه یک زن و شوهر کم‌شنوا و ناشنواست که یک پسر ناشنوا دارند و دلستان حول محور این بچه می‌گردند و اتفاقاتی هم در این میان برای این کاراکترهای افتد.

شما به عنوان یک فیلم اولی، بازیگران مطرح زیادی را دور هم جمع کردید، چطور به این ترکیب بازیگران رسیدید؟

روند انتخاب بازیگر تقریباً حدود ۴ ماه زمان برد، مخصوصاً برای نقش‌های در ارتباط با ناشنوایان که قرار بود بازیگران عادی آن‌ها را بازی کنند. به دلیل تمرینات مختلفی که بازیگران داشتیم و باتوجه حس و حالی که در فیلمنامه بود و ناخودآگاهی که داشتیم، احساس کردم این ترکیب بازیگران برای فیلم مناسب است. خیلی از بازیگران سینما درگیر کارهای دیگری بودند یا شرایط حضور در فیلم را نداشتند و بعضاً به دلایل دیگر، این نقش را نپذیرفتند، ولی فکر می‌کنم مجموعه بازیگران این فیلم، مخصوصاً آن‌هایی که نقش کم‌شنوا و ناشنوا را بازی کردند، از بازیگران جسور سینما هستند؛ چون یادگیری زبان اشاره و گویش ناشنوایان بسیار دشوار است و به نمایش درآوردن آن به صورتی که باورپذیر باشد خیلی سخت بود، اما در نهایت این تیم بازیگران توانستند آن نقش‌ها را ایفا کنند.

فرمول خاص دیگری برای ترکیب بازیگران نداشتید، مثلاً یک ویژگی خاص در بازی، فیزیک یا مسائل دیگر؟

چون ناشنوایان و کم‌شنوایان با حرکت دست و میمیک صورت منظورشان را می‌رسانند، زبان اشاره برای من خیلی اهمیت داشت و به همین دلیل استفاده زیاد بازیگران از دست‌هایشان در نقش‌های مختلفی که بازی کرده بودند، برایم بسیار مهم بود.

فکر می‌کنم با توجه به آرشینو خوبی هم که به عنوان عکاس در پروژه‌های مختلف داشتید، توانستید به خوبی از این فیلتر استفاده کنید و عملکرد دست‌های بازیگران را رصد کنید، درست است؟

قطعاً، عکاسی جزئیاتی را به من داد که توانست در روند کاری‌ام برای انتخاب بازیگران فیلم اولم تأثیر بگذارد.

شما در پشت صحنه خیلی از کارهای سینمایی و تلویزیونی مطرح عکاسی کردید ولی در «بیداد حلزون» به عنوان کارگردان در پشت صحنه حاضر نشدید، این نقولت جایگاه چقدر جالش بر انگیز بود؟

عکاسی یک هنر انفرادی است و عکاس با دوربینش صحنه‌ای را که در مقابلش قرار



فیلمساز اول برای ساخت فیلمش خیلی سختی می‌کشد، مخصوصاً برای انتخاب و پیدا کردن سرمایه گذاری که دانش و درک فرهنگی داشته باشد و اینکه مطمئن شود پولی که برای اثر هزینه می‌شود، از جای درستی تأمین شده باشد. بعد از این مسائل اهمیت پیدا می‌کند

گرفته است ثابت می‌کند، اما در کارگردانی اوضاع متفاوت است. شما با یک گروه طرف هستید که از افراد شناخته شده و باتجربه کاری بالایی تشکیل شده و شما قرار است به عنوان کارگردان مجموعه آن چیزی را که در نهنشان هست به آن‌ها انتقال بدهید، اتفاقی که در بهتر ساخته شدن فیلم تأثیر گذار است.

آیا توانستید این تفاوت‌ها را به راحتی حل کنید؟

من از حدود ۲۰ سال پیش که وارد هنرستان شدم تا به حال فیلم ساختم. از سال ۷۹ این کار را شروع کردم و همیشه دورخیزی برای کارگردانی یک فیلم بلند سینمایی داشتم. انتخاب فیلم‌هایی که برای عکاسی به پشت صحنه‌شان می‌رفتم هم همیشه بر اساس این بوده که هم بتوانم از کارهای خوب عکاسی کنم و عکس‌های خوب بگیرم و هم با کارگردان‌هایی کار کنم که بتوانم یک سری نکات و مسائل مربوط به کارگردانی را بهتر متوجه شوم؛ یک جور معلم برنده، برنده. در کل کارگردانی برایم کار خیلی سختی نبود، چون در سالی که فیلمنامه نوشته شد، با تحقیقاتی که درباره ناشنوایان داشتم و انتخاب عواملی که در ذهنم بود (و با چند تغییر اتفاق افتاد)، تکلیفم با همه چیز روشن بود. به عنوان مثال من با مدیر فیلمبر داری‌ام تاکنون کار نکرده بودم ولی نمونه کارهای ایشان، رفتار، شخصیت و سوادشان باعث شد که من ترجیح بدهم این فیلمبر دار را برای کارم انتخاب کنم.

چقدر از نسخه نهایی «بیداد حلزون» دقیقاً همان چیزی شد که از ابتدا به آن فکر می‌کردید؟

باتوجه به استعدادها و شرایط تولیدی خوبی که سرمایه‌گذار بر ایمان فراهم کرده بود و هدایت‌های تهیه‌کننده فیلم، من به نتیجه‌ای که فکر می‌کردم نزدیک شدم. البته فکر می‌کنم که در نهایت مخاطبان فیلم، اصحاب رسانه و منتقدانی که کار را می‌بینند باید در خصوص راضی بودن از فیلم نظر بدهند. این فیلم اثر سختی بود که توانستیم به سر انجام برسانیم، اگر چه نمی‌خواهم انتظار تملناگران را بالا یا پایین ببرم، قضاوت با خودشان است.

با تمام این تفصیل، پیش‌بینی شما از جشنواره چیست؟ فکر می‌کنید کار مورد استقبال مخاطب قرار بگیرد؟

موضوعاتی مثل موضوع آدم‌های این فیلم، از آن دست است که در سینمای جهان هم به آن خیلی کم پرداخته می‌شود و همین دلیل خاص شدن کار ماست. مثلاً در صداگذاری فیلم، روی صداها کارهایی کردیم که یک شنوای درک کند، و بر ایمان مهم بود که ببینیم یک ناشنوا چه میزانی از صدای محیط اطراف و موسیقی و... را می‌شنود و ارتباطش با صدا به چه شکل است. ما در موسیقی کار سعی کردیم هم از

کسی استفاده کنیم که کارهایش جدید باشند و هم بین‌ت‌ها را فاصله بیندازیم و بعضاً آن‌ها را بر دایریم تا تماشاگر شنوا تا حدودی به آن چیزی که نلشنوا در تمام طول عمر حس می‌کند، نزدیک شود. فکر می‌کنم این فیلم در جهت فرهنگ‌سازی برای جامعه شنوایی به قبول مسئولیت اجتماعی در خصوص جامعه ناشنوا، فیلم تأثیر گذاری باشد. اگر چه مخاطب به جز درگیری با این مساله با یک درام جذاب نیز همراه است. زندگی ناشنواها قصه اصلی ماست، اما در کنار این قصه، داستانی هم روایت می‌شود که مخاطب شنوایی نسبت به آن علاقه مند بشود و فیلم را دنبال کند. به همین دلیل به بازخورهای مثبت کار خوشبینم.

به عنوان یک فیلم اولی، می‌توانید بگوئید که سخت‌ترین بخش کار کسی که تازه شروع می‌کند به فیلم ساختن، چیست؟

فیلمساز اول برای ساخت فیلمش خیلی سختی می‌کشد، مخصوصاً برای انتخاب و پیدا کردن سرمایه‌گذاری که دانش و درک فرهنگی داشته باشد و اینکه مطمئن شود پولی که برای اثر هزینه می‌شود، از جای درستی تأمین شده باشد. بعد از این مسائل موارد فنی اهمیت پیدا می‌کند، مثلاً برای خود من بخش انتخاب فیلمنامه کار سختی بود و چند تیم فیلمنامه‌نویسی تغییر کرد تا به این فیلمنامه نهایی رسیدیم. این مسائل کار را سخت و مسیر تولید اولین فیلم را پیچیده‌تر می‌کند. به همین دلیل امیدوارم اعضای هیات داوران که برخی از آن‌ها خودشان روزی فیلم‌های اولشان را ساختند، به این رنگی که فیلمساز برای ساخت فیلم اولش می‌کشد توجه کنند و خیلی ساده از فیلم‌ها نگذردند. از اعضای هیات داوران درخواست می‌کنم فقط به آن چهار فیلم اولی که در بخش سودای سیم‌رخ حضور دارد، توجه نکنند و همه فیلم‌های اول را به دقت ببینند و راجع به آن‌ها به درستی و با یک نگاه قضاوت کنند.

